

نظری کوتاه بر الواح اعیاد از آثار قلم اعلیٰ

مهری افنان

الواح مبارکی که در این امر اعظم از قلم جمال قدم نازل شده بی‌شمار است که فقط تعداد معدودی از آنها به طبع رسیده است. از این میان الواح مبارکه‌ای که به مناسبت اعیاد نازل گشته هر چند بعضی از آنها در این ایام زیارت می‌گردد ولی شاید مطالعه دقیق آنها همیشه به تعویق می‌افتد و از هر عید به عید دیگر و از هر یوم مبارکی به روزی دیگر واگذار می‌شود لذا در این مختصر سعی شده است که آشنایی کلی با این الواح حاصل گردد و مطالعه فرد آنها در فرصت دیگری انجام شود.

در کتاب «ایام تسعه»^(۱) و «تسبیح و تهلیل»^(۲) تعداد زیادی از این الواح جمع‌آوری شده ولی به احتمال زیاد منحصر به این تعداد نیست و تحقیق در باره همه آنها فرصت شایان توجهی را می‌طلبد. اکثر این الواح به زبان عربی نازل شده است.

شاید بتوان گفت که در تاریخ ادیان الهی اولین باری است که مظهر امر الهی در وصف عظمت ظهور مبارک خود و ظهور قبلش به صدور چنین الواحی مبادرت فرموده است.

در این مجموعه دو لوح به مناسبت شب تولد حضرت اعلیٰ از قلم جمال مبارک صادر شده است؛ یکی با عنوان «بسم المولود الذی جعله الله مبشراً لإسمه العزیز الودود» و مصدر به «لَوْحٌ مِنْ لَدُنَّا إِلَى لَيْلَةٍ فِيهَا لَاحَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مِنْ نَبَرٍ بِهِ أَنَا رَبٌّ مِنَ فِي الْعَالَمِينَ»؛^(۳) و لوح دیگر با عنوان «بسمه المغزود علی الأفنان» و مصدر به «يَا إِسْمَى، إِسْمَعِ نِدَائِي مِنْ حَوْلِ عَرْشِي لِيُبَلِّغَكَ إِلَى بَحْرٍ مَا لَهُ سَاحِلٌ وَمَا بَلَغَ قَعْرُهُ سَابِغٌ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ»^(۴) و معروف به لوح رویا که در عکّا در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در یوم تولد حضرت اعلیٰ درست نوزده سال قبل از صعود جمال قدم نازل شد و حضرت ولی‌امرا لله در کتاب «گادپاسزبای» به آن اشاره فرموده‌اند.^(۵)

در هر دو لوح به تولد حضرت اعلیٰ در شب اول که آیت و نشانه‌ای از شب دوم یعنی تولد حضرت بهاء الله است اشاره می‌فرمایند یعنی اول و دوم محرم.

در لوح اول تولد حضرت باب را تولد «یوم الله» و آن شب را به «لیلة الوهاب» و این مولود را به «ام‌الکتاب» موسوم می‌فرمایند و اشاره به برداشته شدن «ختم رحیق مختوم» می‌نمایند و در لوح دوم «لوح رویا» به ذکر طلعت مبارکی «وَرَقَّةٌ نَوْرَاءٌ» ملبَس به «ثياباً رَفِيعَةً بِيضَاءً»

می پردازند که چشم امکان شبه او را ندیده است. مطالب متن لوح اشاره به بلایای وارده بر جمال قدم است و سراسر لوح حالت مکالمه بین مظهر الهی «حضرت بهاء الله» و طلعت نورایی است که در رویا ظاهر شده «که شاید بتوان گفت مکالمه ای بین هیکل بشری و حقیقت روحانی آن حضرت است» و همان طور که قبلاً اشاره شد می فرمایند که خداوند این روز را به روز دیگری که غیب مکنون و سر مخزون ظاهر شد معزز داشت که اشاره به یوم تولد حضرت بهاء الله است؛ و در آخر لوح مناجاتی کوتاه نازل شده است.

در مورد تولد حضرت بهاء الله در کتاب ایام تسعه سه لوح مبارک درج شده است. لوح اول با عنوان «الأقدس الأَمْعُ الأعظم» و مصدر به «قد جاء عيد المولود واستقر على العرش جمال الله المقتدر العزيز الودود»^(۶) می باشد. در این لوح مبارک اشاره به این مطلب است که عید مولود را در سجن اعظم برگزار فرمودند در حالی که «ملوک» بر ضد آن حضرت قیام نمودند و بعد می فرمایند: «هل تضطرب كينونة الإطمینان من ضوضاء الإمكان؟ لا، و جماله المشرق على ما كان وما يكون» و سپس مطلب درباره سطوت و قدرت و هیمنه الهی و امر به تمسک به حبل اقتدار پروردگار است. در این لوح مبارک نیز اشاره به «فک رحیق مختوم» می فرمایند و اهل بهاء را به «انقطاع» و نصرت به آن چه در «لوح محفوظ» الهی نازل شده امر می فرمایند و آنان را از مجادله منع می نمایند.

لوح دیگر با عنوان «الزؤف الکریم الرحیم» و مصدر به «أن يا ملاً الغیب و الشهود أن افرحوا فی أنفسکم»^(۷) مخصوص لیله «شب» تولد آن حضرت نازل شده است. در این لوح می فرمایند: درهای بهشت باز شد و ابواب نیران بسته شد و نسیم غفران و آمرزش الهی وزید. «در سورة القلم هم ارتفاع قلم یعنی عفو عمومی ذکر شده» و ساعت و قیامت ظاهر شد. در این لوح حضرت بهاء الله تحقق مبانی اعتقادی قبل را در مورد روز موعود به زبان ادبی و با تشبیهات و استعارات زیبا بیان می فرمایند؛ ملائکه و روح با جام های مملو از «کوثر و تسنیم» نازل شدند، بت های «جبت» و «صنم اعظم» بر زمین افتاده، منعدم شدند و جمال قدم بر عرش «اسم اعظم» خود جالس شد و در آن «لیله» «وُلِدَ مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» که اشاره به تولد مظهر خداوند لم یلد و لم یولد است یعنی تولد حضرت بهاء الله می فرمایند. سراسر لوح ذکر عظمت یوم ظهور است و این که عالم قدرت تحمل شنیدن این اسرار را ندارد. بعد اشاره به قلم اعلیٰ می فرمایند که آب شیرین زندگانی یعنی «ماء العذب الحیوان» را به قدر استعداد امکانات بر آنها جاری می فرمایند.

لوح سَوْم نیز که با عنوان «هوالله» و مصدر به «أَنْ يَا مَعْشَرَ الْعَشَاقِ، تَالله هَذِهِ لَلَّيْلَةُ مَا ظَهَرَ مِثْلَهَا فِي الْإِمْكَانِ»^(۸) نازل شده در باره عظمت این «لیله» یعنی شبی است که «حقیقت رحمان» در آن ظاهر شده «مشابه لوح قبلی» و در آن عصیان و گناه همه اهل امکان بخشیده شد «یوسف الاحدیة» که اشاره به خود جمال مبارک است ختم شراب سربسته را برداشت «اشاره به بشارت قبل» و آن را به دور آورد و به همه افراد انسانی می‌فرماید که بیایند و از این آب زندگانی بنوشند «فی الحقیقه ندای وحدت عالم انسانی است» و همه باید سرور و شادمانی نمایند زیرا نعمت تمام و رحمت کامل شد «از فحوی تمام این الواح نزدیکی این دو مظهر الهی به یکدیگر مستفاد می‌شود».

در مورد بعثت حضرت نقطه اولی «لوح غلام الخلد» و «لوح ناقوس» از الواح مهمه‌ای است که از قلم حضرت بهاء‌الله نازل شده است.

لوح غلام‌الخلد در بغداد در ایام رضوان نازل شده و عنوان آن چنین است: «هَذَا ذِكْرٌ مَا ظَهَرَ فِي سَنَةِ السَّتِّينِ فِي أَيَّامِ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْمُهَيِّمِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» و شروع لوح با عبارت «إِذَا قَدْ فَتِحَ أَبْوَابُ الْفِرْدَوْسِ وَ طَلَعَ غُلَامُ الْقُدْسِ»^(۹) می‌باشد. این لوح شامل دو قسمت است؛ قسمت اول به زبان عربی و به سبک ادبی بسیار متعالی نازل شده و قسمت دوم به لسان فارسی و به صورت قطعه‌ای ادبی است که برگردان قسمت عربی با عبارت «فیا بُشْرَى هَذَا غُلَامُ الْخُلْدِ قَدْ جَاءَ...» می‌باشد که با عباراتی مانند «بِاسْمِ عَظِيمِ»، «بِأَمْرِ عَظِيمِ»، «بِسَرِّ عَظِيمِ» و امثال آن تمام می‌شود. لوح تماماً در وصف کمال و جمال مظهر الهی آن جوان بهشتی است که چشم احدی از مقرّبین نظیر او را ندیده است و قسمت فارسی لوح در مورد ظهور موعود است که «آن کلمه مستوره که ارواح جمیع انبیا و اولیا به او معلق و مربوط است از مکمن غیب و خفا به عرصه شهود و ظهور جلوه فرمود ... نسیم رحمتی از آن تجلی برخاست که رایحه عصیان از کلّ شیء برداشت و خلعت جدید غفران بر هیاکل نامتناهی اشیا و انسان در پوشید.»

لوح دیگر معروف به لوح ناقوس است که در اسلامبول بر حسب خواهش آقا محمدعلی اصفهانی و به واسطه حضرت عبدالبهاء در شب پنجم جمادی‌الاولی به خط مبارک جمال‌قدم نازل شده است و به فرموده حضرت ولیّ مقدّس امرالله تلاوت این لوح در همان لیله محبوب است. نزول این لوح در سال ۱۲۸۰ هجری قمری مطابق ۱۸۶۳ میلادی است.

عنوان این لوح «هو العزیز» و شروع آن با جمله «هذه روضة الفردوس ارتفعت فيها نعمة الله المهيمن القيوم» می باشد.^(۱) در این لوح خطاب به «راهب الاحدیة» است که می فرماید ناقوس را به صدا در آورد زیرا این یوم الهی «روز خدا» ظاهر شده است و برگردان لوح «سبحانک یا هو، یا من هو هو، یا من لیس أحد إلا هو» است و در بندهای متعدّد هریک به نحوی بشارت ظهور مظهر الهی را به عالمیان ابلاغ می فرماید و سراسر لوح از نغمه های شادی و بشارت و تسبیح و تقدیس مظهر الهی مملوّ است و خاتمه لوح با مناجاتی مهیمن در باره مؤمنین و طلب ایجاد حرارت محبت در قلوب آنان و غلبه روحانی بر من علی الأرض و وفا به وعده الهی است که از قبل فرموده است که برضعفا منت خواهد گذارد و آنان را پیشوایان راستین خود خواهد فرمود: «نريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين.»

در باره عید رضوان یا اظهار امر جمال قدم الواح متعدّده ای از قلم مبارکشان نازل شده که شش لوح از این الواح در کتاب تسبیح و تهلیل و هشت لوح در کتاب ایام تسعه به طبع رسیده است.

الواح رضوان مندرج در «تسبیح و تهلیل» از این قرار است:

۱. نُزِلَ فِي يَوْمٍ أَوَّلِ الرِّضْوَانِ، هُوَ الظَّاهِرُ المُسْتَوْرُ العَزِيزُ العَلِيمُ الصَّبُور. (ص ۸۴)
۲. «سورة القلم»: بِسْمِ اللّٰهِ اَلْبَدِيعِ اَلْاَبْهٰى، اَنْ يَّا قَلَمَ اَلْاَعْلٰى فَاشْهَدْ فِى نَفْسِكَ بِاَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّوم. (ص ۹۲)
۳. نُزِلَ فِي اَيَّامِ الرِّضْوَانِ: بِسْمِ اللّٰهِ العَزِيزِ الوَهَّابِ، سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ يَّا اِلٰهِي، اَسْئَلُكَ بِهَذَا الْيَوْمِ وَبِالَّذِي ظَهَرَ فِيهِ ... (ص ۱۰۳)
۴. نُزِلَ فِي يَوْمِ الرِّضْوَانِ: بِسْمِ اللّٰهِ الْمُجَلِّىِ عَلٰى مَا سِوَيْهِ اَنْ يَّا مَلَأَ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ ... (ص ۱۰۵)
۵. هُوَ الْاَقْدَسُ الْاَبْهٰى، يَّا اِلٰهِي، لَكَ الْحَمْدُ بِمَا ظَلَعَ فَجَزُّ عَيْدِكَ الرِّضْوَانِ ... (ص ۱۱۵)
۶. بِسْمِكَ الْاَحْلٰى الْاَبْهٰى، اِنَّكَ اَنْتَ يَّا اِلٰهِي، لَمَّا اسْتَوَيْتَ عَلٰى كُرْسِيِّ عِزِّ فِرْدَاوَيْتِكَ ... (ص ۱۱۶)

الواحی که در کتاب «ایام تسعه» به طبع رسیده است، به قرار زیر است:

۱. هُوَ الْمُسْتَوٰى عَلٰى هَذَا الْعَرْشِ الْمُنِيرِ، يَّا قَلَمَ الْاَبْهٰى، بَشِّرِ الْمَلَأَ الْاَعْلٰى، بِمَا شَقَّ حِجَابَ السَّتْرِ ... فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عَيْدُ اللّٰهِ ... (ص ۲۴۶)

۲. قَدْ طَلَعَ جَمَالَ الْقَدْسِ عَنِ خَلْفِ الْحِجَابِ وَإِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ. (ص ۲۵۱)

۳. هَذَا لَوْحٌ قَدْ نُزِلَ فِي الرِّضْوَانِ لِيَقْرَأَ الْكُلُّ فِي عِيدِ الرِّضْوَانِ بِلَحْنِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ «بِسْمِهِ الْمُجَلِّي عَلِيٍّ مَنْ فِي الْإِمْكَانِ»؛ «يَا قَلَمَ الْأَعْلَى، قَدْ أَتَى ربيعَ الْبَيَانِ بِمَا تَقَرَّبَ عِيدُ الرَّحْمَنِ...» (ص ۲۵۴)

۴. لوح مبارک ایوب: هَذَا مَدِينَةُ الصَّبْرِ فَاجْهَدُوا أَنْ تَدْخُلُوا فِيهَا يَا مَلَأَ الصَّابِرِينَ هُوَ «بِسْمِهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى» ذَكَرَ اللَّهُ فِي مَدِينَةِ الصَّبْرِ عَبْدَهُ أَيُّوبًا... (ص ۲۶۲)

۵. و در لوح دیگری، راجع به اظهار امر مبارک در رضوان می فرمایند؛ قوله تعالی: «فَلَمَّا أَخَذَ فَرِحَ اللَّهُ كُلُّ مَا سِوَاهُ فَكَانَ الرُّوحُ الْأَعْظَمُ شَفَّتِيهِ مَرَّةً أُخْرَى...» (ص ۳۰۵) (ذکر طفل آقا علی، پسر حاجی میرزا کمال نراقی)

۶. قسمتی از لوح مبارک حضرت بهاء الله که در یوم نهم رضوان نزول یافته: «بِسْمِ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْمُخْتَارِ، لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي، بِمَا جَمَعْتَ أَحْبَابَكَ فِي عِيدِكَ الْأَعْظَمِ...» (ص ۳۱۳)

۷. هُوَ اللَّهُ، سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي، هَذَا يَوْمٌ مِنْ أَيَّامِ عِيدِكَ الرِّضْوَانِ وَفِيهِ زُيِّنَ مَحَلَّ السَّجْنِ لِظُهُورِ جَمَالِكَ... (ص ۳۱۷)

۸. قوله تعالی: هُوَ الْعَلِيُّ الْعَالِي الْأَعْلَى، اِي بَلْبَلَانَ إِلَهِي، از خارستان ذلت به گلستان معنوی بشتابید... (ص ۳۱۹)

مطالبی که در این الواح مشترک است، ایجاد حالت شور و انجذاب روحانی است که البته، نتیجه ظهور مظهر الهی است؛ مظهري که آب زندگانی از «کأس بقاء» به بندگانش عطا می فرماید و آنان را در این عید مبارک رضوان بشارت می دهد؛ مظهري که از ورای حجاب، به احسن جمال و کمال ظاهر شده و با برداشتن نقاب از چهره مبارکش آفاق را روشن نموده است مظهر الهی که «ختم رحيق مختوم» را با انگشتان مبارکش برداشت مظهري که خلق بدیعی را آغاز فرمود و از فم مبارکش «بحر حیوان» و آب زندگانی جاری شده و اهل امکان را بشارت می دهد و به خود می خواند.

با ظهور حضرتش بشارت گذشته تحقق یافت: «قَدْ أَتَى الْمَالِكُ وَالْمَلِكُ اللَّهَ». همان طور که ذکر شد، در این الواح، اظهار امر علنی فرموده اند: «هَذَا مَطْلَعُ الْوَحْيِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَ» و «هَذَا مَشْرِقُ أَمْرِ اللَّهِ لَوْ أَنْتُمْ تَوْقِنُونَ» و خطاب به اهل امکان می فرمایند که هر چه دارید رها کنید و در این دریایی که به نام خداوند رحمان در موج است غوطه خورید.

هر یک از این الواح دریایی از شور و شوق و وله و انجذاب به همراه می‌آورد و گه گاهی هم یادآور صدمات و زحمات و لطمات وارده به مظهر ظهور است. هر یک از این الواح اختصاصات خود را دارد و همه به صورت قطعه‌ای ادبی و زیبا بعضی از آنها با برگردان‌هایی نظیر «فیا مرحبا، هذا عید الله قد ظهر عن افق فضل منیع» حالت شور و انجذابی خارج از وصف و بیان دارند و یا حالت مکالمه بین مظهر الهی و «قلم اعلیٰ» و یا «قلم اعلیٰ» با حضرت کبریا را مجسم می‌سازند و بالاخره این ایام، ایامی است که عالم «لاهورت» «عالم الهی» خطاب به ناسوت «عالم خاکی» می‌گوید: خوشا به حال تو که موطنی اقدام خداوند قرار گرفتی.

در باره عید صیام و نوروز دو لوح در کتاب ایام تسعه با عنوان «أنا الأقدس الأعظم الأبهی» و مطلع «لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي، بِمَا جَعَلْتَ الْتِيروز عِيداً لِلْمَقْرَبِينَ مِنْ عِبَادِكَ ...»^(۱۱) و دیگری با عنوان «الأعظم» و مطلع «لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا جَعَلْتَ الْتِيروز عِيداً لِلَّذِينَ صَامُوا فِي حُبِّكَ وَ كَفَّوْا أَنْفُسَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ رِضَاؤُكَ ...»^(۱۲) مندرج است.

دو لوح دیگر در کتاب تسبیح و تهلیل به طبع رسیده است؛ اول: «يُقْرَأُ فِي الْتِيروز وَ عِيدِ الصِّيَامِ» با عنوان «هُوَ الْحَيُّ الْبَاقِي الْقَيُّومُ» و مطلع «شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ بِوَحْدَانِيَّةِ نَفْسِهِ وَ لذَاتِهِ بِفَرْدَانِيَّةِ ذَاتِهِ ...»^(۱۳) و دیگری با عنوان «هُوَ الْأَقْدُسُ الْأَعْظَمُ الْأَعْلَى» و مطلع «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْعَالَمِ وَ مَالِكِ الْأُمَمِ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ كُنْتَ مُقَدَّساً عَنْ ذِكْرِ الْكَائِنَاتِ ...»^(۱۴) مطالب این الواح همه اشاره به این مطلب است که خداوند نوروز را عید صیام قرار فرموده است و در حق مؤمنین که موفق به صیام گردیده‌اند دعا می‌فرمایند که به طراز قبول الهی فایز شوند زیرا همه چیز معلق به قبول او است. اگر خداوند بر کسی که افطار کرده حکم صوم جاری فرماید مانند این است که از ازل الازل صایم بوده است و نیز می‌فرمایند که در این روز و در این عید، نفحات ظهور مابین زمین و آسمان را پر کرده و آنچه در کتب مقدسه مسطور بوده و انبیا و اولیا به آن بشارت داده‌اند ظاهر شده است.

در امر مبارک، یوم اول نوروز به «یوم البهاء» و ماه اول سال به «شهر البهاء» نامیده شده است. در این الواح اشاره به این مطلب است که این روز به این اسم مبارک نامیده شده و خداوند آن را برای مقربین و مخلصین عید قرار داده است. فی الحقیقه اشاره به بهار روحانی است که با ظهور مظهر الهی یعنی حضرت بهاء الله باب «لقاء» بر روی اهل آسمان و زمین گشوده شده است و از وزش اریاح و حرکت برگ‌ها ندای «إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ» شنیده می‌شود.

سفینه عرفان - دفتر ۱۴ _____ نظری کوتاه بر الواح اعیاد از آثار قلم اعلیٰ

در واقع در همه این الواح بشارت فرا رسیدن ایام روحانی و ظهور مظهر «مشهود مکنون» به گوش می‌رسد و کسانی که به این ندا گوش فرا داده و به اطاعت احکام او «در این مورد صوم» پرداخته‌اند مورد فضل و رحمت قرار گرفته‌اند.

این الواح مملوّ از حالت شور و انجذاب روحانی و بشارت الهی و دعا و توجّه و مناجات به درگاه پروردگار عالمیان است.

یادداشت‌ها

* در باره لوح مدینه الصّبر، یا لوح مبارک ایوب بنده قبلاً مطالبی عرض نموده‌ام که در عندلیب، سال بیست و یکم، شماره ۴ (پیاپی ۸۴)، ص ۱۱ درج شده است.

۱. عبدالحمید اشراق خاوری، رساله ایام تسعه، کلمات پرس، چاپ اوّل در امریکا، ۱۹۸۱م.

۲. عبدالحمید اشراق خاوری، رساله تسبیح و تهلیل، لجنه ملّی نشر آثار امری، طهران، ۱۰۵ بدیع، ۱۳۲۷ شمسی.

۳. ایام تسعه، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۱۶.

۵. کتاب قرن بدیع، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۴۹ بدیع، ص ۴۴۴ / حضرت ولی امرالله، God Passes By، ص ۱۴۰

۶. ایام تسعه، ص ۴۵

۷. همان، ص ۴۸

۸. ایام تسعه، ص ۵۵

۹. همان، ص ۹۲

۱۰. همان، ص ۱۰۰

۱۱. همان، ص ۳۴۰

۱۲. همان، ص ۳۴

۱۳. تسبیح و تهلیل، ص ۱۳۴

۱۴. همان، ص ۱۴۰